

گونه‌ها و روشهای تفسیری امام باقر علیه السلام در مصادر روایی فریقین

حسین خاکپور *

احمد عابدی **

چکیده: روش‌شناسی تفسیر امام باقر علیه السلام وقتی ضرورت و اهمیت دارد که بدانیم عصر این بزرگوار دوران فرازاها و فرودهای فرقه‌های مذهبی و غیر مذهبی است. تلاشهای فکری و فرهنگی معتزله، مرجئه، اهل قیاس، غلات، همراه خوارج و اهل‌کتاب، از ویژگیهای عصر امام باقر علیه السلام است که به کارگیری روشهای مختلف تفسیر قرآن از سوی امام گویای حضور فرهنگی و فکری فرقه‌های مذکور است.

مقاله حاضر با روش توصیفی - اسنادی، با تتبع در روایات تفسیری این امام همام در مصادر روایی فریقین - به ویژه اهل سنت - به دنبال شناخت روش ایشان در تفسیر قرآن است و بیان می‌دارد که امام، زمانی قرآن را به نطق درآورده، از آن برای تفسیر کلام الهی استفاده نموده‌اند و گاهی در حوزه معنانشناسی به تبیین واژگان آیات الهی پرداخته‌اند، جری و تطبیق، استفاده از عقل و برهان، بهره‌گیری از اسباب نزول و ... از دیگر روشهای تفسیری امام است که مطرح می‌شود.

Email: dr.khakpour@theo.usb.ac.ir

*. استادیار دانشکده الهیات دانشگاه سیستان و بلوچستان.

Email: info@ahmad_abedi.ir

**. دانشیار دانشگاه قم.



کلیدواژه‌ها: روشهای تفسیری / تفسیر / روایت تفسیری / شیعه / اهل سنت.

۱. مقدمه

راه رسیدن به تعالیم والای اسلامی آشنایی با سیره اهل بیت علیهم السلام است. شناخت روش آنان جز با آگاهی از گفتارشان - به ویژه در تفسیر قرآن - میسر نیست. در میان ائمه، امام باقر علیه السلام نقش بسزایی دارد؛ زیرا در زمان ایشان بستری برای ترویج و تبیین احکام اسلام و آیات قرآن فراهم آمد.

در عصر این امام همام، تلاش پیروان مذاهب گوناگون در راه احکام اصول اعتقادی خود و ترویج آن در جامعه و نیز راهکارهای حاکمان زمان برای مقابله با فرهنگ اصیل اسلامی و منحرف ساختن مردم، مسئولیت و وظیفه امام را مهم تر و سخت تر می نمود. ایشان را به عنوان عالم به دقایق علوم و لطائف اشارات (نیشابوری، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۲۸۶) باقر نامیدند؛ زیرا به حقیقت شکافنده علوم، عالم به اسرار نهان الهی و از «متوسمین» است. (ابن عساکر، ج ۱۵، ص ۳۵۳؛ ذمبی، ج ۴، ص ۴۰۵؛ قرطبی، ج ۱، ص ۴۴۵؛ نووی، ج ۱، ص ۱۰۲)

روش شناسی تفسیر امام باقر علیه السلام در میان روایات تفسیری فریقین، از این نظر ضرورت دوچندان دارد که بخش قابل توجهی از احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام به این بزرگوار اختصاص دارد و آگاهی از روش ایشان کمک شایانی به فهم قرآن و شیوه های تفسیر آن می کند و نکته سنجی اهل بیت علیهم السلام و ثقل بودن آنها را بر همگان می نمایاند که چگونه عدل قرآن اند و مبین و تالی آن. لذا در این پژوهش بر آنیم تا در حدّ توان به شناخت روشهای تفسیری این امام در میان روایات تفسیری شیعه و اهل سنت پردازیم.

۱. روش تفسیر قرآن به قرآن

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن، این است که هر آیه‌ای به کمک و استعانت از آیات دیگر تفسیر شود؛ زیرا برخی آیات مبین آیات دیگر هستند و به تفصیل معانی و محتوای دیگر آیات پرداخته‌اند. این شیوه هم‌زمان با نزول آیات آغاز، و تاکنون ادامه یافته است. (مؤدب، ص ۱۷۳-۱۷۴) یکی از اسلوبهای ویژه‌ای که امام باقر (ع) برای آشکار نمودن معانی و کشف حقایق و حیانی به کار برده‌اند، روش قرآن به قرآن است.

۱-۱) از امام باقر (ع) سؤال شد: چگونه به وجوب قصر نماز در سفر حکم می‌کنید، حال آنکه در قرآن تعبیر «لا جناح» است که به حسب ظاهر، به معنی جواز قصر است نه وجوب آن (اشاره به آیه: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحُ أَنْ تَقْصُرُوا»؟ امام با تمسک به آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ» (بقره ۲) / ۱۵۸) فرمود: همان‌گونه که مقصود از عبارت «لا جناح» در این آیه ناظر به وجوب طواف [سعی] است نه جواز آن، در آیه نیز به معنی وجوب قصر است، نه جواز آن. (صدوق، ج ۱، ص ۲۳۴)

۱-۲) امام در تفسیر آیه «يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ» (ابراهیم ۱۴) / ۴۸ ضمن بیان مثال، آن را با آیه «وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ» (انبیاء ۲۱) / ۸ توضیح می‌دهد و می‌افزاید: مردم تا زمان حسابرسی از زمین بهره می‌برند (زمین تبدیل به نانی پاکیزه می‌شود) و ما آنها را پیکرهایی که طعام نخورند قرار نمی‌دهیم. (قرطبی، ج ۹، ص ۳۸۴)

امام باقر (ع) در تفسیر این آیه از دو روش تمثیلی و قرآن به قرآن استفاده نموده‌اند.



۲. روش تفسیر لغوی (واژه‌ای)

شماری از روایات تفسیری امام باقر علیه السلام به گونه‌ای است که در تبیین آیات، تنها یک واژه یا برخی از واژگان آیه را معنی نموده است. این روش غالباً در مواردی به کار رفته که ظاهر آیه، روشن به نظر آمده و گویی مخاطب نیازی به توضیح بیشتر نداشته، بلکه با بیان معنی و مفهوم واژگان دشوار آن، مفهوم آیه برایش آشکار می‌شده است. در واقع این‌گونه روایات حکم ترجمه را دارند. (رستمی، ص ۱۹۰)

امام واژگان قرآن را به شیوه‌های مختلفی تبیین نموده‌اند؛ به عنوان نمونه:

۲-۱) توضیح بر اساس ادبیات عرب

از امام باقر علیه السلام ذیل آیه «إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» (بقره ۲) / (۳۴) روایت شده که ایشان فرمود «موقوت» در اینجا به معنی مفروض است. (ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۸۲). در حدیث دیگری معنی «غیب» و «شهادت» را چنین می‌فرمایند «الغیب ما لم یکن و الشهادة ما کان». (آلوسی، ج ۲۸، ص ۶۲) در بیانی دیگر، امام مقصود از «ما قلی» (ضحی ۹۳) / (۳) را «ما أبغضک» می‌داند؛ یعنی خدا تو را به خشم نیاورد. (فیض کاشانی، ج ۱، ص ۸۲۷)

۲-۲) بیان توصیفی و توضیحی

در این شیوه، امام باقر علیه السلام واژه‌ای را توصیف می‌کند یا توضیح می‌دهد. به عنوان نمونه، امام باقر علیه السلام در معنی «غارم» و «ابن سییل» (توبه ۹) / (۶۰) می‌فرماید: «الغارمین: المستدنین بغیر فساد» و «ابن السییل: المتجاوز من الارض إلى الأرض». (ثوری، ج ۱، ص ۱۲۷)

امام واژه «دُکَّت» در آیه «كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ...» (فجر ۸۹) / (۲۱) را به «زلزله» تبیین نموده‌اند. (حویزی، ج ۵، ص ۵۷۵؛ فیض کاشانی، ج ۸، ص ۳۲۶) زلزله سبب در هم کوبیدن بناها می‌شود. آیه به قیامت اشاره دارد و از علائم آخرت هم زلزله است؛ لذا امام عبارت را به زلزله تبیین نموده‌اند. این تفسیر توسط شماری از مفسران فریقین عنوان شده است. (نک: سید قطب، ج ۶، ص ۳۹۰)

۲-۳) بیان مصداقی

در این شیوه، امام مصداق کلمه را بیان می کنند. به عنوان نمونه، ایشان منظور از «خیر» در «ولتكن منكم أمة يدعون إلى الخير» (آل عمران (۳) / ۱۰) را طبق روایت رسول الله، پیروی از قرآن و سنت رسول الله می دانند. (شوکانی، ج ۱، ص ۴۲۴؛ سیوطی، ج ۲، ص ۲۸۹) ایشان در حدیث دیگری، نزول آیه «اولوا الامر» (نساء (۴) / ۵۹) را درباره امام علی (علیه السلام) دانسته، اما مراد از آن را علی، حسن و حسین (علیهم السلام) معرفی می کنند. (حسکانی، ج ۱، ص ۱۵۱)

۲-۴) بیان توسیعی

گاه امام در معنای واژه، توسعه می بخشند؛ یعنی حوزه معنایی آن را فراتر از ظاهر نشان می دهند. به عنوان نمونه:

امام «طاغوت» در آیه «فن یکفر بالطاغوت» (بقره (۲) / ۲۵۵) را به حجابها و بازدارنده ها از مطالبه حق، تفسیر نموده اند. (عطار نیشابوری، ج ۲، ص ۲۸۶ - ۲۸۵) این شیوه در جایگاه خود نیازمند بررسی وسیع و همه جانبه است و موقعیت سنجش و نیازسنجی امام در کار، نسبت نوع روش و شیوه تفسیری را نشان می دهد.

۲-۵) بیان باطنی

در این شیوه، امام باقر (علیه السلام) معنای باطنی واژه را بیان می کنند. به عنوان نمونه، از ایشان درباره معنی «طوبی» در آیه «طوبی لهم و حسن مآب» (رعد (۱۳) / ۲۹) سؤال شد. فرمودند:

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره این سخن خدای تعالی «طوبی لهم» سؤال شد، ایشان فرمودند: درختی است در بهشت که اصل آن در خانه من است و فروع آن در میان اهل بهشت است. یک بار دیگر پرسیدند: فرمودند: اصل آن در خانه علی (علیه السلام) است و شاخسار آن در خانه اهل بهشت. سائل گفت: چگونه است که یکبار فرمودید: اصل آن در خانه من است و شاخسار آن در خانه دیگران، و یکبار دیگر فرمودید:

اصل آن در خانه علی علیه السلام است و شاخسار آن در خانه دیگران؟ رسول خدا فرمودند: خانه من و علی علیه السلام یکی است. (حسکانی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۲۸۸؛ ثعلبی، ج ۵، ص ۲۹۰-۲۹۱؛ همو، ص ۳۵۱؛ قرطبی، ج ۹، ص ۳۱۷؛ سیوطی، ج ۳، ص ۱۴، ج ۴، ص ۵۹) با تتبع در روایات امام، نمونه‌های دیگری از این نوع نیز به چشم می‌خورد که به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

۳. روش تفسیر عقلی - کلامی

امامان معصوم علیهم السلام گاهی در تفسیر آیات قرآن - به ویژه آیات مربوط به عقاید و اثبات توحید و یکانگی خداوند - از براهین، اصول و قواعد عقلی استفاده نموده و معنای آیه را روشن ساخته و شک و ابهام را از آن زدوده‌اند. (علوی مهر، ص ۱۳۸) تفسیر عقلی آن است که مفسر با استفاده از درک و فهم سلیم، به تدبّر و تفکر در قرآن و فهم معانی آیات و تفسیر آن پردازد. امام باقر علیه السلام گاهی با تکیه بر اصول مسلم عقلی و استفاده از عقل، قرآن را تفسیر نموده‌اند. این روش نیز به گونه‌های مختلف در کلام امام تبلور یافته است که به برخی اشاره می‌کنیم.

۳-۱) بیان صفات الهی

پاره‌ای از روایات تفسیری امام باقر علیه السلام به تبیین صفات الهی می‌پردازد. از ایشان ذیل آیه «و هو الله في السموات والأرض» (انعام ۶/ ۳) روایت شده: مکانها محدود است وزمانی که گفتی ذات خدا در مکانی قرار دارد، لازمه‌اش این است که به گویی خداوند محدود است... (نک: صدوق، ص ۱۳۲-۱۳۳) نمونه‌های فراوانی از این نوع به چشم می‌خورد که مجالی برای پرداختن به آن نیست.

۳-۲) تبیین آیه با کمک برهان و بیان چرایی آن

ساختار مفهومی برخی از آیات قرآن که بیشتر به اصول اعتقادی و آراء کلامی ارتباط دارد، ما را به استدلال و احتجاج نیازمند می‌سازد؛ زیرا دلایل عقلی پایه اعتقادات افراد را مستحکم می‌نماید. به عنوان نمونه ذیل آیه: «إذا ذكرت ربك في



القرآن وحده ولّوا على أديبارهم نفوراً» (اسراء (۱۷) / ۴۶) روایت شده است:

أخرج البخاري في تاريخه عن أبي جعفر محمد بن عليّ أنّه قال: لم كتمتم «بسم الله الرحمن الرحيم»؟ فنعم الاسم و الله كتموا. فإنّ رسول الله كان إذا دخل منزله اجتمعت عليه القريش فيجهر بسم الله الرحمن الرحيم ويرفع صوته بها، فتولّى قريش فراراً فأُنزل الله: «إذا ذكرت ربك في القرآن وحده».

(سیوطی، ج ۵، ص ۲۹۸)

امام در چرایی عدم مجالست با اهل خصومات، چنین استدلال می‌نمایند که آنها کسانی‌اند که در آیات خداوند با شک و تردید می‌نگرند و در آنها جدل می‌کنند.

(مراغی، ج ۷، ص ۱۲؛ سیوطی، ج ۳، ص ۹۲)

۳-۳) احتجاج به آیات قرآن در اثبات حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام)

آلوسی در اینکه فرزندان دختر هم ذریّه خوانده می‌شوند، می‌گوید: در تفسیر فخر رازی [ذیل آیه انعام (۶) / ۵۸] نقل شده است:

إنّ أباجعفر - رضي الله تعالى عنه - استدللّ بها عند الحجّاج بن يوسف بآية المباهله حيث دعا صلى الله عليه وآله الحسن و الحسين - رضي الله عنهما - بعد ما نزل: تعالوا ندع أبناءنا وأبناءكم ... (آلوسی، ج ۷، ص ۲۱۳)

۳-۴) دفاع از حریم ولایت

عن أبي بصير، عن أبي جعفر، أنّه سألّه عن قول الله: «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولي الأمر» قال: نزلت في عليّ بن أبي طالب. قلت: إنّ الناس يقولون: فما منعه أن يسمّي عليّاً و أهل بيته في كتابه؟ فقال أبو جعفر: قولوا لهم: إنّ الله أنزل على رسوله الصلاة و لم يسمّ ثلاثاً و لأربعاً حتّى كان رسول الله هو الذي يفسّر ذلك، و أنزل الحجّ فلم ينزل طوفوا سبعا حتّى فسّر ذلك لهم رسول الله. و أنزل: «أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و أولي الأمر منكم»،

فنزلت في عليّ والحسن والحسين، وقال رسول الله: أوصيكم بكتاب الله و
أهل بيته. إني سألت الله أن لا يفرّق بينها حتى يردها عليّ الحوض، فأعطاني
ذلك. (حسكاني، ج ۱، ص ۱۵۱).

۴. استفاده از جری و تطبیق (روش تفسیر مصداقی)

«جری» در لغت یعنی: روان شدن و جریان داشتن. (قرشی، ج ۲، ص ۳۰) «جری» به
این معنا تعبیری است که خود ائمه برای بیان استمرار قرآن در همه زمانها به کار
برده‌اند و مراد از آن انطباق الفاظ و آیات قرآنی است بر مصادیقی غیر از آنچه درباره
آنها نازل شده است؛ یعنی از مخاطبان اولیه خود تجاوز کرده و بر افرادی منطبق
می‌شوند که در قرنهای بعد می‌آیند. (میریاقری، ص ۲۳۶)

در روایات، الفاظ و آیات بسیاری از قرآن کریم بر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و مخالفان
آنها انطباق یافته است. ادله‌ای که می‌تواند امر جری و تطبیق در روایات تفسیری را
تأیید نماید، متعدّدند. پاره‌ای از آنها خود اخبار جری می‌باشند که در آنها بر دائمی
بودن احکام و معارف قرآن و استمرار خطاب قرآن به مصادیق جدید تأکید شده
است. (شاکر، ص ۱۴۹)

این روش در کلام امام باقر علیّه‌السلام جایگاه خاصی دارد؛ زیرا در زمان ایشان گاه افراد
ساده‌لوح یا سودجو و مغرض، قرآن را به نفع خود یا به ضرر دشمنانشان تفسیر
می‌کردند. در چنین شرایطی، تطبیق صحیح آیه بر افراد و وقایع عینی راهگشای
شیعیان بود. این شیوه خود اقسام و مراتب گوناگونی دارد که به برخی از آنها اشاره
می‌کنیم.

۴-۱) مصداق خاص

در برخی موارد، آیه مصداق انحصاری دارد و بر عموم افراد دلالت نمی‌کند. در
این آیات گاه لفظ به گونه‌ای است که در ظاهر می‌تواند مصادیق متعددی را بپذیرد،
اما شواهدی یافت می‌شود که مصداق آن منحصر و محدود است.

آلوسی ذیل آیه «ثمَّ أَوْثَرْنَا الْكِتَابَ...» (فاطر (۳۵) / ۳۲) می‌گوید:

روي الاماميّه عن الصادق و الباقر - رضي الله عنهما - أنّهما قالَا: «هي لنا خاصّه و إِيّانا عني.» أرادَا أنّ أهل البيت الائمة منهم هم المصطفون الذين

اورثوا الكتاب ... (آلوسی، ج ۲۲، ص ۱۹۵)

طبق این حدیث، صادقین آیه را خاص اهل بیت دانسته‌اند. آلوسی گرچه این سخن را با حدیث ثقلین قابل تقویت می‌داند، امّا آن را بر علماي امت حمل نموده و می‌گوید: علماي اهل بیت به طریق اولی داخل هستند.

اختصاص آیه ولایت (مانده (۵) / ۵۴) در مورد حضرت علی علیه السلام (حسکانی، ص ۱۵۱)، آیه «بقية الله خير لكم» (هود (۱۱) / ۸۶) درباره امام زمان (صدوق، ج ۲، ص ۳۳۰)، آیه «خير البرية» (بینه (۹۸) / ۷) به امام علی علیه السلام و شیعیان او (طبری، ج ۲، ص ۱۹۷؛ خواری، ص ۶۶)، آیه «فديناه بذبح عظيم» (صافات (۳۷) / ۱۰۷) به حضرت اسماعیل (وهبه الزحیلی، ج ۲۳، ص ۱۲۵)، آیه «کنتم خير أمة» (آل عمران (۳) / ۱۱۰) به اهل بیت علیهم السلام (سیوطی، ج ۲، ص ۲۹۴)، آیه «من عنده علم الكتاب» به امام علی علیه السلام (قرطبی، ج ۹، ص ۳۳۶)؛ اختصاص آیه «صالح المؤمنين» (تحریم (۶۶) / ۴) به امام علی (آلوسی، ج ۲۸، ص ۱۵۳) از دیگر نمونه‌هاست.

۴-۲) مصداق اتمّ

این نوع مصداق - که گاه از آن به مصداق «اکمل» و «اعلی» هم یاد می‌شود - به این معنی است که آیه پذیرای مصداقی متعددی است که از لحاظ رتبه یکسان نیستند و یک یا چند تن در مرتبه بالاتر از دیگران به سر می‌برند که به عنوان مصداق اتمّ و اکمل معرفی می‌شوند.

ذیل آیه «فاسألوا أهل الذكر» (انبیاء (۲۱) / ۴۳) از امام باقر علیه السلام روایت شده که چون آیه نازل شد، امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ما اهل ذکر هستیم. و در روایت دیگری از ایشان نقل شده که مراد، عترت رسول خدا هستند و در روایت دیگری امام باقر می‌فرماید: «اهل الذكر ما هستیم.» به عنوان نمونه:

عن محمد بن علی قال: لما نزلت هذه الآية: «فاسألوا أهل الذكر إن كنتم لا تعلمون» قال عليّ عليه السلام: نحن أهل الذكر الذي عنانا الله جلّ و علا في كتابه.

(حسکائی، ج ۱، ص ۳۳۶، ج ۲، ص ۳۳۷، ۴ حدیث)

آلوسی صاحب تفسیر روح المعانی^۱ ذیل این آیه، عبارتی قابل تأمل دارد:
قول أبي جعفر الباقر «نحن أهل الذكر»؛ و علماء أهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و
الرحمة من خير العلماء إذا كانوا على السنّة المستقيمة، كعليّ و ابن عبّاس و
ابني عليّ الحسن و الحسين و محمد بن الحنفیّة و عليّ بن الحسين زين العابدين
و عليّ بن عبدالله بن عبّاس و أبي جعفر الباقر و هو محمد بن عليّ بن الحسين و
جعفر ابنه و أمثالهم و أضرابهم و أشکالهم ممّن هو متمسّک بحبل الله المتين و
صراطه المستقیم و عرف لكلّ ذي حقّ حقّه و نزل كلّ المنزل الذي أعطاه الله
رسوله و اجتمعت عليه قلوب عباده المومنين. (آلوسی، ج ۴، ص ۱۹۷، ذیل نحل
(۱۶) / ۴۳)

در توضیح سخن امام باقر عليه السلام که اهل ذکر ما هستیم، می‌گوید: علمای
اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و رحمه از بهترین علماء هستند، هرگاه بر سنّت
مستقیم باشند؛ مثل علی، ابن عبّاس، فرزندان علی: حسن و حسین، محمد
بن حنفیّه، علی بن حسین زين العابدين، علی بن عبدالله بن عبّاس، ابی جعفر
الباقر و جعفر الصادق و پسرش و امثال و شبیه و نظیر آنها از کسانی که به
ریسمان محکم الهی و راه مستقیم او چنگ زده، حق هر صاحب حقی را
می‌شناسند و بر جایگاهی که خدا و رسولش و قلبهای مؤمنین به سوی آن
است، فرود می‌آیند.

از این نوع، نمونه‌های دیگر نیز در کلام امام باقر عليه السلام نیز مشاهده می‌شود. (نک:
قمی، ص ۴۱۲ ذیل انشقاق (۸۴) / ۱۰؛ قندوزی، ج ۱، ص ۲۹۷، باب ۲۶؛ سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶ ذیل توبه (۹) /

۱. اصل این سخن از ابن کثیر است (تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۴۹۲) و روشن است که تفسیر ناروایی است از کلام
امام باقر عليه السلام. (ویراستار)

۱۱۹، قرطبی، ج ۱۹، ص ۸۷؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۰۹؛ حسکانی، ج ۲، ص ۲۹۳؛ شهرستانی، ج ۱، ص ۲۳۷

۴-۳) مصداق عام

این مصداق در آیاتی یافت می شود که لفظ و معنای آن صلاحیت پذیرش مصادیق متعدد را دارد و امام در پاسخ سائل، هر بار به مصداقی از آن اشاره می کند. ذیل آیه «ولیشهدوا منافع لهم» (حج ۲۲ / ۲۸) روایت شده: قال محمد بن علی بن الحسین الباقر (ع) «المراد بها العفو و المغفرة». در تفسیر طبری دو حدیث از امام باقر (ع) از طریق جابر جعفی، نقل می کند که در اولی، امام می گوید: مراد «العفو» است (جابر عن أبي جعفر ليشهدوا منافع لهم، قال: العفو) و در حدیث دوم امام می گوید: «مغفرة» است (جابر قال، قال محمد بن علي: المغفرة) که ظاهراً امام در مقام بیان برخی از مصادیق «منافع» هستند. مظهری این دو روایت را تحت عنوان یک روایت نقل نموده است. طبری پس از نقل نظرات مختلف، منافع را عام می گیرد، اعم از منافع دنیوی و اخروی. (طبری، ص ۴۷؛ مظهری، ج ۶، ص ۱۹۶ و ج ۹، ص ۷۶) از این امام همام روایت شده که مقصود از ابرار در آیه «إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ» (انفطار ۸۲ / ۱۳) ما هستیم، و مقصود از فجّار در «إِنَّ الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ» (انفطار ۸۲ / ۱۴) دشمنان ما هستند. (بحرانی، ج ۴، ص ۴۳۶؛ مجلسی، ج ۲۴، ص ۶) امام باقر (ع) یکی از مصادیق «و انحر» در سوره کوثر را بالا بردن دست هنگام گفتن تکبیره الاحرام دانسته اند. (آلوسی، ج ۳۰، ص ۲۴۷؛ ابن کثیر، ج ۷، ص ۳۸۸؛ سیوطی، ج ۸، ص ۶۵۰؛ طبری، ج ۳۰، ص ۳۲۶)

یادآوری می شود که بیان مصداق اتم مانعی برای مصادیق پایین تر نیست؛ لذا بسیاری از مفسران، مصادیق دیگری را نیز برای آیات ذکر شده بیان داشته اند.

۴-۴) مصداق باطنی

گاه امام در مقام توضیح آیه، مصداق باطنی آن را یادآور می شود که می توان این

قسم را از مقوله تأویل دانست؛ به عنوان نمونه:

الف) امام باقر علیه السلام «طعام» را در آیه «فلینظر الإنسان إلى طعامه» (عبس (۸۰) / ۲۴) به علم تأویل نموده‌اند، بدین معنی که انسان نیک بنگرد که از چه کسی آن را می‌گیرد. (بحرانی، ج ۴، ص ۴۲۹؛ فیض کاشانی، ج ۸، ص ۲۸۷؛ کلینی، ج ۱، ص ۵؛ مجلسی، ج ۲، ص ۲۹۸)

ب) عن أبي جعفر محمد بن علي بن الحسين في قوله: «فأبي أكثر الناس إلّا كفوراً» (اسراء (۱۷) / ۸۹) قال: بولاية علي يوم أقامه رسول الله صلى الله عليه وآله. و نیز: عن جابر قال: قال أبو جعفر عليه السلام قال الله: «صرّفنا في هذا القرآن للناس»؛ یعنی لقد ذكرنا علياً في كلّ آية فأبوا ولاية علي «فما يزيدهم إلّا نفوراً».

ج) امام باقر علیه السلام منظور از هدایت در آیه «إني لغفار لمن تاب و آمن و عمل صالحاً ثم اهتدي» (طه (۲۰) / ۸۲) را هدایت به ولایت اهل بیت علیهم السلام می‌داند. (قندوزی، ج ۱، ص ۳۲۹؛ حسکانی، ج ۱، ص ۳۷۶)

۵. روش تفسیر تمثیلی (تفسیر قرآن با استفاده از تمثیل)

یکی از دلنشین‌ترین و مفیدترین راههای القای مطلب به برخی مخاطبان، بهره گرفتن از تشبیه و تمثیل است. تشبیه از ارزنده‌ترین و برترین انواع بلاغت است. تشبیه در لغت همان تمثیل است. از این‌رو، واژه‌های تشبیه و تمثیل و مماثلت، مفاد مشترک دارد و در اصطلاح عبارت است از پدید آوردن مماثلت و مشارکت حداقل میان دو شیء در یکی از اوصاف و ویژگی‌هاست. هدف از تشبیه و تمثیل، اظهار مطالب مشکل در قالب عبارات روشن و خارج ساختن آن از ابهام به مرحله روشنایی و وضوح است، خواه هر دو طرف تشبیه محسوس یا معقول و یا متفاوت باشند. (ابن ناقد، ص ۲۰۵)

این روش را می‌توان جزء روش تفسیر ادبی دانست؛ اما نگارنده آن را به صورت مستقل می‌آورد؛ زیرا صراحتی که در تفسیر ادبی سراغ داریم، در اینجا به چشم نمی‌خورد و تشبیه و تمثیل جای آن را می‌گیرد. در مواردی امام از تشبیه برای بیان و

مقصود آیه استفاده می‌کنند؛ زیرا این شیوه‌ای است که راه رسیدن به مقصود را بسیار کوتاه می‌کند و قرآن کریم خود نیز از این شیوه بهره‌های فراوان دارد.

۵-۱) از امام باقر (ع) ذیل آیه «لا تجعلوا الله عرضة لأيمانكم» (بقره ۲ / ۲۲۴) روایت شده: کسی مثلاً قسم بخورد که دیگر با برادرش هم صحبت نشود و یا کار دیگری - نظیر سخن گفتن - انجام ندهد و یا سوگند بخورد که با مادرش سخن نگوید. (طباطبایی، ج ۲، ص ۱۹۹)

۵-۲) به سند جابر از امام باقر (ع) ذیل آیه «يوم تبدل الأرض غير الأرض و السموات» (ابراهیم ۱۴ / ۴۸) روایت شده که از ایشان درباره آیه پرسیدم، فرمودند: «تبدل خبزه يأكل منها الخلق يوم القيامة. ثم قرأ: «ما جعلناهم جسداً...» (انبیاء ۲۱ / ۸ / قرطبی، ج ۹، ص ۳۸۴) در آن روز، زمین تبدیل به نانی پاکیزه می‌گردد و مردم از آن می‌خورند.» سپس آیه «ما جعلناهم جسداً...» را تلاوت فرمودند. البته این حدیث در منابع شیعه به سند امام صادق (ع) نقل شده است. (حویزی، ج ۲، ص ۵۵۷)

۵-۳) ابن جریر و حاکم (در حالی که آن را صحیح دانسته) و ابن مردویه و بیهقی در الدلائل از سعید بن ابی هلال روایت نموده که گفت: از اباجعفر محمد بن علی (امام باقر (ع)) شنیدم که این آیه را خواند: «والله يدعو إلى دار السلام ويهدي من يشاء إلى صراط المستقيم» و فرمود:

حدثني جابر قال: خرج علينا رسول الله ﷺ يوماً، فقال: إني رأيت في المنام كان جبريل عند رأسي و ميكائيل عند رجلي، يقول أحدهما لصاحبه: اضرب له مثلاً، فقال: اسمع أذنك و اعقل قلبك، إنما مثلك و مثل من اتبعك مثل ملك اتخذ داراً، ثم بنى فيها بيتاً، ثم جعل فيها بيتاً، ثم جعل فيها مادبه، ثم بعث رسولاً يدعو الناس إلى طعامه، فنههم من أجاب الرسول و منهم من ترك، فأنه هو الملك، و الدار الاسلام و البيت الجنة و أنت يا محمد رسول، فن أجابك دخل الإسلام و من دخل الإسلام دخل الجنة و من دخل الجنة اكل



منها. (شوکانی، ج ۲، ص ۵۰۱؛ سیوطی، ج ۴، ص ۳۵۵)

البته تفسیر این آیه را هم می‌توان ترکیبی از روش روایی و تمثیلی دانست.

۶. روش تفسیر تربیتی - هدایتی

در این روش، امام به تفسیر تربیتی - هدایتی از آیه قرآن می‌پردازد، یا وجهی از وجوه تربیتی را در ضمن تفسیر بیان می‌کند.

۶-۱) ذیل آیه «أفرايتم الماء الذي تشربون» (واقعه (۵۶) / ۶۷) از امام باقر علیه السلام از رسول خدا نقل شده که هرگاه آن بزرگوار به آب نزدیک می‌شد، می‌گفت:

الحمد لله الذي سقانا عذباً فراتاً برحمته و لم يجعله ملحاً أجاباً بذنوبنا (وهبه

الزحیلی، ج ۲۷، ص ۲۶۹)

این روایت در بیان تربیت توحیدی است.

۶-۲) اینک روایتی در تربیت اخلاقی:

عن أبي حمزة الثمالي، قال: حدثني أبو جعفر محمد بن علي بن الحسين، قال: قال لي ابي: يا بني، لا تصحبن خمسة و لا توافقهم في طريق: لا تصحبن فاسقاً، فإنه يبيعك بأكلة فما دونها؛ و لا بخيلاً، فإنه يقطع بك عن ماله أحوج ما كنت إليه؛ و لا كذاباً فإنه بمنزلة السراب، يبعد منك القريب و يقرب منك البعيد؛ و لا أحمق، فإنه يريد أن ينفكك فيضرك؛ و لا قاطع رحم فإنني وجدته ملعوناً (ثلاثة) مواضع في كتاب الله. (ابونعیم اصفهانی، ج ۳، ص ۱۸۳؛ سبط ابن جوزی، ج ۲،

ص ۴۰۹، ابن عساکر، ص ۱۱۰؛ ابن جوزی، ج ۲، ص ۱۰۱).

ظاهراً مراد امام، آیات: رعد (۱۳) / ۲۵، محمد (۴۷) / ۲۲ و بقره (۲) / ۲۷

است.

۶-۳) از امام باقر علیه السلام درباره «ذاکر» بودن نقل شده: «ما من شيء أحب إلى الله من

الذكر و الشکر» (سیوطی، ج ۴، ص ۳۶۸). نیز روایت شده است:



الصواعق تصيب المؤمن و غير المؤمن و لا تصيب الذاکر. (سیوطی، ج ۴، ص

۶۲۷؛ بغوی، ج ۴، ص ۹؛ ابن صبان، ص ۲۵۳؛ بغدادی، ج ۴، ص ۹؛ ابن طلحه، ص ۸۰)

ابونعیم فی الحلیه عن أبي جعفر قال: «أشد الاعمال ثلاثة: ذکر الله على کلّ

حال، إنصافک من نفسك و مواساة الأخ فی المال. (سیوطی، ج ۴، ص ۷۵)

برای مشاهده نمونه هایی در مصادر شیعه، نک: برقی، ج ۲، ص ۷۴ ذیل بقره

(۲) / ۱۸۹؛ عیاشی، ج ۱، ص ۸۸؛ طباطبائی، ج ۲، ص ۶۵۳ و ...

۷. تفسیر از راه شرح جریان تاریخی

یکی از راه هایی که قرآن برای هدایت بشر به کار گرفته، بیان جریانهای تاریخی و سرگذشت ملل پیشین است. خداوند رهاورد این شیوه را آشنایی مردم با سرنوشت گذشتگان و پند گرفتن از آن می داند؛ آنجا که می فرماید: «لقد کان فی یوسف و إخوته آیاتٌ لِّلسَّالِینَ». (یوسف (۱۲) / ۷)

استفاده امامان (ع) از تاریخ فراگیر بوده و از سرگذشت پیشینیان برای توضیح و تبیین آیات قرآن بهره گرفته اند. امام باقر (ع) نیز در موارد متعددی از این شیوه تفسیری استفاده نموده اند.

۷-۱) امام باقر (ع) درباره بنای کعبه می فرمایند:

«کان باب الکعبه علی عهد العماقه و جرهم و ابراهیم بالأرض حتی بنته قریش». (قرطبی، ج ۲، ص ۱۲۳) از امام باقر (ع) روایت شده که درب خانه خدا در عهد عمالقه و جرهم و ابراهیم بر زمین بود تا اینکه قریش آن را بنا کردند. نیز روایت شده: مردم در مورد نخستین کسی که کعبه را بنا نموده، اختلاف کردند «فقیل الملائکه قبل آدم، روي هذا عن أبي جعفر الباقر محمد بن علي ابن الحسين». (ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۰۳ ذیل بقره (۲) / ۱۲۸؛

قرطبی، ج ۲، ص ۱۲۰)



۸. تفسیر از راه بیان اسباب نزول

یکی از راههای فهم معنا و مقصود، توجه به شرایطی است که کلام در آن صادر شده است. برخی از آیات قرآن هم در زمان و مکان خاص و به علت و سببی نازل شدند که آگاهی از آنها کمک زیادی به فهم آیات می‌کند. استفاده از این روش در بیان امام باقر علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به عنوان نمونه:

۱-۸) از امام باقر علیه السلام ذیل آیه تبلیغ (مائده (۵) / ۶۷) روایت شده

إِنَّ مَعْنَاهَا: بَلَّغَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِيٍّ. فَلَمَّا نَزَلَتْ أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتَ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ. (ثعلبی، ج ۴، ص ۹۲؛ قندوزی، ج ۱، ص

۱۱۹؛ فخر رازی، ج ۳، ص ۶۳۶؛ نیشابوری، ج ۶، ص ۱۷۰؛ حسکانی، ج ۱، ص ۴۴۲).

۲-۸) ذیل آیه: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ.. فَأُولَئِكَ مَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاءَ مَصِيرًا» (نساء (۴) / ۹۷) روایت شده است:

أَبُو الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ - إِنَّ هَؤُلَاءِ النَّاسَ مِنَ الْمُنَافِقِينَ تَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ بِمَكَّةَ، فَلَمْ يَخْرُجُوا مَعَهُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَ خَرَجُوا مَعَ مُشْرِكِي قُرَيْشٍ إِلَى بَدْرٍ، فَأَصَابُوا فَيَمَنَ أَصِيبَ، فَأَنْزَلَ إِلَيْهِ فِيهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ. (آلوسی، ج ۵، ص ۲۵).

البته در روایت عکرمه نام برخی از آنها ذکر شده است مثل: قیس بن الفاکهه بن المغیره، الحرث بن زمعه بن الاسود، قیس بن ولید بن المغیره ... همچنین از امام روایت شده که ایشان شأن نزول آیه ۳۵ سوره انعام را درباره «حارث بن عامر بن نوفل» بیان داشتند (نک: قمی، ص ۴۰۵).

این قسم نیز در مصادر فریقین به فراوانی مشاهده می‌شود که به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

نتیجه

به وجود آمدن فضای نسبی برای بهره‌گیری از سخنان الهی و وحیانی امام باقر (ع) و تلاش فرقه‌های مذهبی و سیاسی باعث شد که آن امام همام، با روشهای مختلف تفسیر قرآن در راه اعتلال فرهنگ اصیل محمدی (ص) بکوشند.

امام در مقابل مکاتب و فرقه‌های کلامی، روش تفسیر و استدلالهای عقلی را به کار می‌بردند، و در برابر اندیشه‌های مردم عادی، با تمثیلی زیبا پرده از راز نهفته آیات بر می‌داشتند. باقرالعلوم در مقابل افراد ساده‌لوح و سودجو مثل خوارج و غلات که قصد تطبیق نادرست قرآن را داشتند، با جری و تطبیق صحیح آیات بر مصادیق عینی، راهگشای شیعیان بودند.

خلاصه اینکه امام با احاطه علمی و برخورداری از ودایع نبوت، روش منحصر به فردی را به کار می‌گرفتند که فقط از عترت ساخته است و آن موقعیت سنجی و استفاده از روش مناسب، بسته به شرایط و فضای حاکم و نوع مخاطب است.





منابع

قرآن کریم

۱. آلوسی، ابی الفضل شهاب‌الدین السید محمد. روح المعانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. ابن تیمیه، تقی‌الدین احمد. مقدمه فی اصول التفسیر. مؤسسه الرساله، ۱۳۹۲ ق.
۳. ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی بن محمد ابولفرج. صفه الصفوه. تحقیق: محمود فاخوری، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۴. ابن حسنی. بحرالمناقب. بیروت: دارالمعرفه.
۵. ابن شهر آشوب، رشیدالدین. المناقب لال ابی طالب. قم: علامه و المطبعه الحیدریه، نجف اشرف، ۱۳۷۹.
۶. ابن صبان المصری، الشافعی. اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی. طبع العثماني.
۷. ابن طلحه شافعی، محمد. مطالب السوول فی مناقب آل الرسول. طبع تهران افست چاپ نجف.
۸. ابن عطیه. تفسیر المحرر الوجیز. بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ ق.
۹. اسفراینی. تفسیر تاج التراجم. تهران: انتشارات علمی - فرهنگی، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن. تاریخ مدینه دمشق. تحقیق: نشاط غزازی، دمشق: دارالفکر.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل. تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالفکر.
۱۲. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار الکتب العلمیه.
۱۳. ابن مغالزی. المناقب (مناقب الامام علی بن ابی طالب). تهران: چاپ اسلامی، ۱۳۹۴ ق.
۱۴. ابن ناویه، عبدالله بن محمد. الجمان فی تشبیهات القرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. ابونعیم اصفهانی. حلیه الاولیاء. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۶. بغدادی، علی بن محمد بن ابراهیم معروف به خازن. لباب التأویل فی معانی التنزیل. مصر: طبع مصطفی، ۱۳۱۷ ش.
۱۷. البغوی، ابو محمد الحسین بن مسعود. معالم التنزیل. بیروت: دار الکتب العلمیه، طبع مصر، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. ثعلبی، ابو اسحاق احمد. الكشف و البیان. تحقیق: ابی محمد بن عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.

۱۹. _____ العمدہ. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. ثوری، ابی عبدالله بن سعید. تفسیر الثوری. بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۳ م.
۲۱. حسکانی، عیبدالله بن احمد الحنفی. شواهد التنزیل لقواعد التفسیر. تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ ق.
۲۲. حسینی فیروز آبادی، سید مرتضی. فضایل الخمسه، ترجمه: شیخ محمد باقر محمودی، انتشارات فیروز آبادی، ۱۳۷۴.
۲۳. حلبی، برهان الدین. سیره الحلبیه. طبع مصر.
۲۴. حموی، محمد بن محمد بن اسحاق. مناهج الفاضلین. قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
۲۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین. تحقیق: سید هاشم رسول محلاتی، قم: المطبعه العلمیه و قم: اسماعیلیان.
۲۶. خوارزمی، الموفق بن احمد. المناقب الامام علی. تحقیق: الشیخ مالک محمودی، قم.
۲۷. ذهبی، ابو عبدالله محمد بن احمد. سیر اعلام النبلاء. تحقیق: شعب الارنؤوط و علی ابو زید، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ ق.
۲۸. رستمی، علی اکبر. آسیب شناسی و روش شناسی تفسیر معصومان. چاپ حیدری، ۱۳۸۰ ش.
۲۹. سبط، ابن جوزی. تذکره الخواص. تحقیق: الشیخ حسین تقی زاده، بیروت: مؤسسه اهل البیت، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۳۰. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن. درالمنثور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دارالفکر، ۱۳۸۶ ش.
۳۱. سید قطب، ابراهیم. فی حلال القرآن. بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. شاکر، محمد کاظم. روشهای تأویل قرآن. قم: انتشارات قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. شوکانی، محمد بن علی. فتح القدر الجامع بین الروایه و الدرايه فی علم التفسیر. اعنی به یوسف الغوش، بیروت: دار المعرفه.
۳۴. شهرستانی، عبدالکریم. مفاتیح الاسرار ومصاییح الابوار. تحقیق: آذشب، شرکه النشر و احیاء الکتب، ۱۳۷۶ ش.
۳۵. صدوق، محمد بن بابویه. من لا یحضر الفقیه. مترجم: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.



۳۶. _____ التوحید. قم: دارالکتب الاسلامی.
۳۷. سید قطب، ابراهیم. فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
۳۸. طباطبائی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ق.
۳۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. جامع البیان فی تأویل آی القرآن. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۴۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی. التبیان فی تفسیر القرآن. قم: مکتب الاعلام السلامی، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین. تذکره الاولیاء. (بر اساس نسخه نیکلسن)، تهران: نشر علم، ۱۳۸۴ ش.
۴۲. علوی مهر، حسین. روشها و گرایشهای تفسیری. قم: انتشارات اسوه، ۱۳۸۱ ش.
۴۳. عیاشی، محمد بن مسعود. تفسیر عیاشی. تهران، ۱۳۸۰ ش.
۴۴. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسین. مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۵. فیض کاشانی، محمد محسن. تفسیر صافی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
۴۶. قرشی، سید علی اکبر. قاموس قرآن. دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
۴۷. قرطبی، ابو عبدالله بن احمد. الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
۴۸. قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر قمی. دارالکتب، ۱۴۰۴ ق.
۴۹. قندوزی الحنفی، ابراهیم. ینابیع الموده لذوی القربی. تحقیق: سید علی جمال اشرف الحسینی، قم: دارالاسوه، ۱۴۲۲ ق.
۵۰. _____ ترجمه سید مرتضی توسلیان. تهران: چاپخانه بزرگمهر.
۵۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی. قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۵۲. _____ فروع کافی. قم: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، چاپ اسلامی، ۱۳۵۰ ش.
۵۳. متقی هندی، علاءالدین. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
۵۴. مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۵۸ ش.
۵۵. مراغی، احمد المصطفی. تفسیر القرآن (تفسیر مراغی). بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۵۶. المظهری، القاضی محمد ثناء لله. تفسیر المظهری. تحقیق: احمد غرو عنایه، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ ق.
۵۷. مودب سید رضا. روشهای تفسیر قرآن. دانشگاه قم: انتشارات اشراق، ۱۳۸۰ ش.

۵۸. مبانی تفسیر قرآن. قم: انتشارات دانشگاه قم، ۱۳۸۶ ش.
۵۹. میرباقری، سید محسن. ظاهر قرآن و باطن قرآن. تهران: انتشارات رایزن، ۱۳۸۰ ش.
۶۰. نیشابوری، نظام الدین. السائر الدایر. بیروت: دار المعرفه.
۶۱. نووی الشافعی. صحیح مسلم بشرح النووی. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۶۲. وهبه الزحیلی. تفسیر المیز فی العقیده و الشریعه و المنهج. دمشق: دار الفکر، ۱۴۱۱ ق.
۶۳. هیثمی، نور الدین. مجمع الزوائد و منهج الفوائد. بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.